شماره
۱۱
اردیبهشت
۱۳۹۱

طلوع (آرورا) نشریه تک برگی ِ
گرایش ِ کمونیست ِ انترناسیونالیستی
این نشریه در چندین کشور به زبانهای مختلف
چا پ و توزیع میگردد

سرمایه داری و کاهش بودجه های خدمات عمومی:

گزینه دیگری هم هست

اما برای آن، باید مبارزه کنیم

سیستم در بحران

حتی طبقه ی حاکم نیز اذعان میکند که، سرمایه داری در بحران عمیقی غوطه ور است. حباب سوداگرانه شان ترکیده و عواقب ناشی از بحران، خود را بر همه گان آشکار ساخته است. آنها نمیتوانند این واقعیت را از ما پنهان کنند که، این طبقه کارگر است که در همه جا باید تاوان برون رفت از ورطه ی بحرانی که نظام سرمایه داری در آن فرو رفته است، برای سالهای متمادی بپردازد.

همه با نا امنی شغلی، بیکاری، کاهش خدمات اجتماعی، افزایش جهش وار درجه بیکاری در بین جوانان، بستن مالیات هر چه بیشتر برای تهیدستان و بازنشستگان و همچنین کاهش حقوق بازنشستگی و بودجه های رفاهی، روبرو اند. مهم نیست که شما در به اصطلاح جهان سرمایه داری « پیشرفته » زندگی میکنید، هر کجا که روی آسمان همین رنگ است. ما به عیان شاهدیم و حتی طبقه حاکم نیز اذعان میکند که بدتر ین ها - وخامت بیرحمانه زندگی و شرایط کاری - هنوز در راه اند. اگر اجازه دهیم، این شرایط برای سال ها ادامه خواهد یافت.

در عین حال، استثمار کنندگان ما، در ائتلافی عظیم، به تدریج مشغول ترمیم حساب های بانکی خود هستند، قیمت املاک ثروتمندان در حال افزایش است و طبق روال معمول، رأی به کاهش مالیات های خود میدهند، زیرا که بعنوان « آفرینندگان ثروت » و بشر دوستان جامعه، سزاوارند. برای آنها « رکود اقتصادی » به پایان خود رسیده است.

اما تا پایان بحران فاصله درازیست. این صرفا در مورد بحران ِ بدهی های بد و یا بانک های بد، نیست. این یک بحران ساختاریست که ده ها سال با ما بوده است (در واقع پس از پایان سیستم برتون وودز Bretton Woods در سال ۱۹۷۱، تا کنون). سرمایه داری در پایان یکی از دوره های انباشت خود بوده و تنها میتواند با کاهش ارزش سرمایه موجود، از این مخمصه بیرون بیاید. ترفند چند ورشکستگی در اینجا و آنجا، تنها در دوران اولیه سرمایه داری، میتوانست کاربرد داشته باشد. سرمایه داران پیروز، ورشکستگان را با قیمت های نازل میخریدند و سیستم میتوانست دوباره شروع بکار کند. علیرغم تمامی تغییرات انجام یافته در ساختار صنعتی در سالهای ۱۹۸۰، و ایجاد تسهیلات در روند پروسه بستن تجارت برای سرمایه بمحض عدم سود دهی، وسعت حجم سرمایه در جهان امروز به حدی است که تنها یک کاهش عظیم ارزش واقعی سرمایه (و نه صرفا ترکیدن بادکنک سرمایه مالی ساختگی) قادر خواهد بود که به سرمایه داری اجازه دهد تا به عنوان یک کل به « رشد سالم » باز گردد. متاسفانه چنین کاهش ارزش سرمایه امروزه، نیازمند آنچنان تخریب فیزیکی گسترده ایست که تنها میتواند به بروز جنگ جهانی منجر گردد. اگرچه شرایط سیاسی و دیپلماتیک برای بروز چنین جنگی هنوز وجود ندارد، اما در نهایت برای سرمایه داری « راه حل نهایی » است. در این میان، طبقه ی کارگر جهانی تاوان آنرا، حتی سنگین تر از آنچه تا حال داده، خواهد پرداخت.

طبقه کارگر

تنها نیروئی که قادر است به بحران خاتمه داده و هم از جنگ جلوگیری کند، قدرت جمعی طبقه کارگر جهانی ست. در سه دهه گذشته، طبقه کارگر بین المللی در حال عقب نشینی بوده است. طبقه کارگر صرفا به تکه پاره ای از سرمایه متغیر تبدیل شده که در سراسر جهان شاهد کاهش سهم خود از ثروت جهانی بوده است. با انتقال مشاغل به کشورهای خاور دور – کشور هائیکه در آن کار کردن در شرایط طاقت فرسای کاری پدیده ایست عادی - در نتیجه در مراکز سنتی سرمایه داری، کارگران از تولید کنده شده و به تدریج مجبور به قبول دستمزدهای پایین تر و شرایط کاری بدتر شده اند. افزون بر این، طبقه کارگر انسجام و سازمان یافتگی کمتری پیدا کرده است؛ و چه لذتی که طبقه سرمایه دار از آن نبرده است.

طبقه کارگر – همه کسانیکه برای زندگی کردن به مزد (کار مزدی) وابسته اند - تحت حملات بی سابقه و هماهنگ شده قرار گرفته است. تا حال، به دلایل ذکر شده در بالا، کارگران به کندی واکنش نشان داده اند.

اما این وضعیت در حال تغییر است. چیزی دارد به وقوع میپیوندد. از بهار عربی تا تظاهرات ها و اشغال خیابان ها، روشن است که محرک اصلی پاسخ ها، که در ورای محدودیت های این تجارب ها بوده، خود ِ بحران است؛ در این تجارب ها، برخی از بخش های طبقه کارگر، اعتماد به نفس خود را باز یافته اند. در بدترین کشورهای شدیدا آسیب دیده، مانند یونان و اسپانیا، مقاومت ها انکار ناپذیرند. با این همه، در رابطه با فاجعه قریب الوقوع برای طبقه کارگر، ناکافی بوده است. دلایل متعددی برای این میتوان شمرد. شکست های سالیان متمادی، اعتماد به نفس را از کارگران گرفته است، اما مسئله صرفا موضوع اعتماد به نفس نیست. بسیاری از کارگران مجذوب فردگرائی سرمایه داری شده اند و انتظار دارند و امیدوارند که اثرات شدید بحران، یقه ی آنها را نگیرد. نه تنها، که خواهد گرفت و هنگامی که گرفت، کارگران مجبورند به دو روش پاسخ دهند.

چه باید کرد

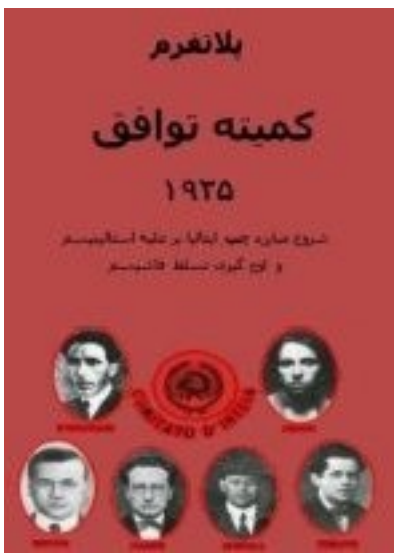
در وهله دوم، کارگران مجبورند که سیاسی شدن مبارزه را به رسمیت بشناسند. تا کنون بسیاری، نیاز به « ضد ِ سرمایه داری » بودن این مبارزه را به رسمیت شناخته اند، اما این برای افراد مختلف معانی مختلفی دارد. بعضی ها تصور میکنند که این صرفا به معنی ضد ِ بنگاه های بزرگ تجاری و یا ضد بانکهاست، که گویا سرمایه داران کوچک استثمارگران بهتری هستند. عده ای دیگر فکر میکنند که این مبارزات باید دولت را وادار به ملی کردن همه چیز نماید تا از این طریق، کارکرد سیستم همچنان ادامه یابد. سرنوشت کارگران در اتحاد جماهیر شوروی سابق، بیانگر محدودیت های این نگرش است.

در وهله دوم، کارگران مجبورند که سیاسی شدن مبارزه را به رسمیت بشناسند. تا کنون بسیاری، نیاز به « ضد ِ سرمایه داری » بودن این مبارزه را به رسمیت شناخته اند، اما این برای افراد مختلف معانی مختلفی دارد. بعضی ها تصور میکنند که این صرفا به معنی ضد ِ بنگاه های بزرگ تجاری و یا ضد انکهاست، که گویا سرمایه داران کوچک استثمارگران

.....ادامه در صفحه بعد

معرفی یک سند

پلاتفرم کمیته توافق



پیش گفتار بر ترجمه فارسی

تاریخ جنبش کمونیستی در ایران و روسیه، در ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر بوده است. وجود صدها هزار نفر از کارگران ایرانی در روسیه از اوایل ۱۸۷۶ (۱) پس- زمینه، برای ظهور ایده های سوسیال دمکراسی در ایران بود، که در شکل گیری شماری از سازمان هائیکه فعالانه در انقلاب مشروطه در سال ۱۹۰۶ شرکت کردند، تجلی یافت. گزارش شده است که هزاران نفر از کارگران مهاجر ایرانی، از اعضای حزب سوسیال دموکرات باکو بوده باشند.

با الهام از انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷، آن دسته از سازمان ئیکه قبلا شکل گرفته بودند، خود را در ارتباط با بین الملل و جنبش کمونیستی قرار داده که در نهایت منجر به تشکیل حزب کمونیست ایران (ژوئن ۱۹۲۰)، اولین در حوزه کشورهای پیرامونی شد که در صفوف آن افراد برجسته و شاخصی همچون سلطانزاده، یکی از امضاء کننده گان مصوبات کنگره ۲ بین الملل، همراه با رهبران کمونیستی مانند بوردیگا حضور داشتند.

به درجه ایکه انحطاط انقلاب روسیه شتاب گرفت، پیآمد آن، مانند هر جای دیگر، تسلط استالینیسم بود. وزنه این تسلط چنان بود که برای چندین دهه، جنبش طبقه کارگر را تحت الشعاع مطلق خود قرار داد. به نسل ِ جدید ِ کارگران، استالینیسم به عنوان کمونیسم ارائه شد. نمونه درخشان دیپلماسی انترناسیونالیستی بلشویک ها در سال ۱۹۱۷، افشای توافقنامه آسیای صغیر، بین بریتانیا، فرانسه (با توافق روسیه) و لغو تمامی معاهدات استعماری بسته شده دوران تزاری پس از جنگ ایران و روسیه در تاریخ (۱۸۲۶ – ۱۸۲۸) ، جای خود را، به برنامه های ملی روسیه داد. ذهن کنجکاو با هر گونه شک و تردید یا پرسش در مورد سیاست های اتحاد جماهیر شوروی و هر گونه چالش در برابر استالینیسم، با مراجعه به کتاب لنین "کمونیسم چپ: بیماری چپ روی کودکانه" خاموش شد! و بدین طریق، تاریخ مبارزه **چپ** و مقاومت در برابر انحطاط، یا به طور کامل پنهان و یا در بهترین حالت با تروتسکیسم تداعی شد. تروتسکیسم خود را به عنوان تنها مخالف واقعی استالینیسم معرفی کرد

.....ادامه در صفحه بعد

گرایش کمونیست انترناسیونالیستی

ماهیت بسیار پراکنده چپ انقلابی بر همگان آشکار است. پس چه تفاوت هایی میان ما و دیگر گروه های ضد سرمایه داری که از مبارزه طبقاتی حمایت میکنند وجود دارند ؟

دلیل خواندن ما به نام انترناسیونالیست ها، این است که ما معتقدیم منافع استثمار شوندگان در سراسر جهان یکیست و کمونیسم نمیتواند صرفا در یک منطقه جغرافیایی بوجود آید، اسطوره ایکه توسط استالین به مثابه حقیقت جا انداخته شد. بدین دلیل ما سرسختانه به مخالفت با استالینیسم در تمامی اشکال آن برخاستیم که برای مدت زمان طولانی توسط هر دو، هم بورژوازی برای بی اعتبار کردن آن و هم نسل های بسیاری از کارگران که با حسن نیت، دست بدست شدن مالکیت صنعتی، توزیع، زمین، و غیره..... از بخش خصوصی به بخش دولتی را بدون آنکه روابط سرمایه داری و اجزای آن (کالاها، پول، کار مزدی، سود، مرزها و غیره) دست خورده باشد، کمونیسم قلمداد میشد. این نه کمونیسم بلکه فرم خاصی از سرمایه داری یعنی سرمایه داری دولتی بود. پس از سال ۱۹۱۷، با محاصره اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی و شکست انقلاب جهانی در غرب، انقلاب به ضد خود، و در نهایت به یک بلوک امپریالیستی تبدیل شد که تنها پس از گذشت هفتاد سال سقوط کرد.

در درگیری بین یک بورژوازی ملی با یکی دیگر، از فلسطین گرفته تا کشور باسک، ما در کنار پرولتاریا هستیم. این به معنی کنار گذاشتن ادعاهای ارضی و اعلام همدلی و رفاقت با هر دو کارگران سنگر های مقابل هم، میباشد. این به معنای نادیده گرفتن منفعلانه کارگرانی که قربانی اشغال نظامی اند نبوده ، اما خواهان شکست طلبی انقلابی برای وحدت طبقه کارگر، در ورای مرزهای بورژوایی، میباشد. جنگ های به اصطلاح آزادی بخش ملی تله ظریف، برای کشاندن طبقه کارگر و محرومان، پشت سر ارابه های منافع ارتجاعی بورژوازی اند.

ما خودمان را به عنوان یک نقطه روجوع سیاسی برای طبقه کارگر قرار داده ایم، اول از همه به آن بخش هائیکه از اتحادیه ها، تمامی اتحادیه های کارگری به ستوه آمده،: این بدان معنی نیست که مبارزه برای دفاع از منافع بلافاصله (دستمزد، ساعات کاری، و غیره.) تمام شده است. بر عکس! اما اتحادیه ها به هیچ شکلی، دیگر آن ظرفی که از طریق آن کارگران بتوانند (به طور موثر) سازماندهی مبارزات را انجام دهند، نیستند. اتحادیه ها در حال حاضر آشکارا ابزاری برای کنترل مبارزه طبقاتی و مدیریت نیروی کار به نمایندگی از طرف سرمایه اند ، و همینطور اتحادیه های پایه*، علی رغم نیت مبارزه جویانه خود، ابزار کندی برای کارگران اند، چرا که آنها بدون بزیر سوال بردن چارچوب قانونی و اقتصادی اعمال شده توسط دولت بورژوازی، خواسته های رادیکال اقتصادی را مطرح میکنند. بحران اقتصادی که به شدت فرصت عمل سیاسی اصلاح طلبی را محدود کرده، اتحادیه های پایه را نیز هر چه بیشتر، افشا کرده است.

برای ما جایگزینی واقعی برای اتحادیه های کارگری شروع « خود - سازماندهی مبارزه » ، که خود انگیخته توسط خود طبقه کارگر، در خارج از اتحادیه ها و در تقابل با آن شکل گرفته، میباشند، که موثرترین شکل بسیج کردن را برای خودشان انتخاب کرده اند، که ضرورتا پا را فراتر از سازگاری با سیستم میگذارد. با این حال، مبارزه برای منافع بلافاصله، نباید منافع کلی طبقه کارگر را که در سرنگونی سرمایه داری نهفته، فراموش کند، و باید به طور مداوم خود را به آن مرتبط سازد.

ما ضد پارلمانتاریستیم: ایده فشار « از درون » این نهادها در جهت پرولتری، به معنای اشتباه دیدن آنها به عنوان نهادهای بی طرف است، در صورتیکه آنها ساختارهای بورژوازی به منظور اعمال قوانین خود میباشند. شرکت احزاب مختلف کمونیستی در پارلمان های بورژوازی و هیئت های مقننه ، نتیجه انکار چشم انداز انقلابی - برای همیشه - و به معنای پذیرش صلح دموکراتیک (فراموش نکنیم که در نهایت متکی به توپ و تفنگ بورژوازیست) میباشد.

سرنگونی سرمایه داری تنها از طریق انقلاب، یعنی بدست گرفتن قدرت سیاسی توسط پرولتاریا، در تقابل و بیرون از همه کانال های شبه دموکراتیک (انتخابات، اصلاحات، و غیره) بورژوازی، مکانیزم هائیکه مشخصا برای جلوگیری از هر گونه تغییر رادیکال در جامعه طراحی شده اند، ممکن میباشد. میدان « دموکراسی » ما، نهادهای قدرت انقلاب، شوراهای کارگری، جلسات توده ای خواهند بود، که در آن به هیئت های منتخب، اختیارات خاصی محول میشود و در هر زمان میتوانند فراخوانده شوند. اما این سازمان ها، هرگز به نهادهای واقعی قدرت پرولتری، بدون تصویب برنامه روشن با هدف لغو استثمار و از اینرو حذف طبقات، جامعه ائی از « تجمع آزادانه تولید کنندگان » برای نیاز های انسان، تبدیل نخواهد شد. این برنامه از آسمان نمیافتد، بلکه از طریق آگاهی آن بخش از طبقه کارگر بدست خواهد آمد که تلاش می کند به درسهای مبارزات گذشته چنگ انداخته، خود را برای تشکیل حزب در سطح بین المللی که مبارزه در درون شوراهای کارگران بر علیه سرمایه داری و برای سوسیالیسم را پیش میبرد، سازماندهی کند. این یک حزب دولتی نیست که جایگزین طبقه شود ، اما حزب ترویج، تبلیغ و رهبری سیاسی بر اساس آن برنامه می باشد. فقط اگر پیشرفته ترین بخش های پرولتاریا، خود را در رهبری سیاسی حزب قرار دهند، آنوقت ما در مسیر گذار انقلابی سوسیالیستی خواهیم بود.

حزب کمونیست انترناسیونالیستی (نبرد کمونیستی) با این اهداف، در طول جنگ جهانی دوم (۱۹۴۳) تاسیس شد و فورا هر دو طرف را به عنوان امپریالیست محکوم کرد. ریشه های آن در کمونیست چپ ایتالیاست که از سال ۱۹۲۰ ، زوال بین الملل کمونیست و تحمیل استالینیسم بر تمام احزاب متعلق به آن را محکوم کرد. در دهه های هفتاد و هشتاد، مروج یک سری از کنفرانس ها که منجر به ایجاد دفتر بین المللی برای حزب انقلابی و در نهایت گرایش کمونیست انترناسیونالیستی در سال ۲۰۰۹ شد.

ما برای تشکیل حزب جهانی فعالیت میکنیم اما خود حزب و یا تنها جنین تشکیل دهنده آن نیستیم. وظیفه ما شرکت در ساخت آن، دخالت در تمامی مبارزات طبقاتی، تلاش برای پیوند مطالبات فوری به برنامه تاریخی؛ کمونیسم است.
به ما بپیوندید! از گرایش کمونیست انترناسیونالیستی حمایت کنید!

برای اطلاعات بیشتر با آدرس های زیر تماس گیرید

Address: BM CWO London, WC1N 3XX

Email uk@leftcom.org www.leftcom.org

ادامه .....اول ماه مه

بهتری هستند. عده ای دیگر فکر میکنند که این مبارزات باید دولت را وادار به ملی کردن همه چیز نماید تا از این طریق، کارکرد سیستم همچنان ادامه یابد. سرنوشت کارگران در اتحاد جماهیر شوروی سابق، بیانگر محدودیت های این نگرش است

راه میان بُری در کار نیست. آنتی - کاپیتالیسم، اگر قرار است که معنای واقعی داشته باشد، باید به نوع دیگری از شیوه تولید بیاندیشد. تنها گزینه، همانا سیستمی ست که الغای پول، سود و استثمار را، در دستور خود قرار دهد. ما در واقع نیاز به جامعه ای کاملا متفاوت داریم جامعه ائیکه تولید تنها بمنظور برآوردن نیازهای انسانی صورت میگیرد، شیوه تولید و توزیع در آن اجتماعی میشود نه اینکه توسط تعداد انگشت شماری از سرمایه داران (چه خصوصی و چه انواع و اقسام دولتی ها) مدیریت شود. جامعه ائیکه در آن محیط زیست غارت و ویران (آنچه که امروز بطور غیر قابل برگشتی بوقوع پیوسته) نمیشود و مورد احترام و علاقه نسل های حاضر و آینده قرار میگیرد. این سیستم بر اصل اِعمال مستقیم اراده آحاد مردم از طریق نمایندگان منتخب خود مردم در نهاد های هماهنگ کننده ی سراسری، نمایندگانی که هر لحظه قابل عزل میباشند، استوار است. برای رسیدن به چنین هدفی، ضروریست که دولت دموکراتیک سرمایه داری، با مجلس اش که صرفا پوششی برای حاکمیت طبقه ی سرمایه میباشد، سرنگون شود و پرولتاریا قدرت را بدست گیرد. هدف این سرنگونی، برقراری جامعه متکی بر « اجتماع آزادانه تولید کنندگان » که بمنظور رفع نیاز و نه برای سود، تولید را سازماندهی میکند، میباشد. چنین جامعه ای فاقد کشور، دولت، مرزهای جغرافیائی و بدون جنگ خواهد بود.

این کمونیسمی است که مد نظر ماست. یک شبه بوجود نخواهد آمد. متقاعد کردن رفقای طبقاتی مان، چه در ارتباط با انتخاب گزینه واقعی در مقابل سرمایه داری و چه در مورد چگونگی سازماندهی برای شکست دادن دار و دسته های حاکم سرمایه داری، نشان از آن دارد که، مبارزه طولانی پیش روی ماست. در این گذر، آنانیکه هم اکنون نیاز به برقراری جامعه ای جدید را احساس میکنند، باید در یک اقلیت کمونیستی، حزب انقلابی جهانی، متحد شوند. مسئله اینجا تشکیل یک ابزار سلطه، دولت سایه و یا حتی پروژه ی پارلمانی نیست، آنچه که ما به آن نیاز داریم، یک بین الملل، یک سازمان انترناسیونالیستی میباشد که توان و قدرت شرکت در جنبش طبقاتی، پیش برد بحث و استدلال و روشن کردن چگونگی غلبه بر سرمایه داری و شیوه متفاوت زندگی کردن با هم را، داشته باشد: اجتماع آزاد و برابر که در آن « تکامل آزادانه هر فرد، شرط تکامل آزادانه همه گان است » (مارکس). گرایش کمونیست انترناسیونالیستی نه خود این « حزب » خواهد بود و نه حتی یگانه نطفه ی تشکیل دهنده آن. با این حال، ما هدف مانرا، پیشبرد کار و فعالیت با همدیگر و با فعالین جدی طبقه کارگر و انقلابیون، برای مهیا کردن شرایط و ایجاد سازمان جدید انقلابی بین المللی، قرار داده ایم. ما از همه کسانیکه هویت خود را با این چشم انداز یکی میبینند، دعوت میکنیم که با ما ارتباط برقرار نموده و وارد گفتگو شوند.

بیانیه گرایش کمونیست انترناسیونالیستی اول ماه مه ۲۰۱۲

ادامه .....پیشگفتار

و با فرصت طلبی به ارث برده (مانند تلاش برای ورود مجدد به سوسیال دموکراسی در سالهای ۱۹۳۰) تنها موفق به ایجاد اغتشاشات فکری شد.

با همه این احوال، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، امید به رخت بستن سایه شوم استالینیسم از سر جنبش کمونیستی و عروج دوباره کمونیسم، جوانه زد. اما زمان ثابت کرد که این امید و انتظار بیش از حد خوش بینانه بود.

احزاب استالینیستی طرفدار اتحاد جماهیر شوروی سابق، با سرعت تقریبا یک شبه، یا خود را به احزاب دموکراتیک تغیر دادند، که باز بتوانند مهارت خود را در تحریف، هر چند این بار با کلمه سحر آمیز « دموکراسی» که پیروزی خود را بر « کمونیسم » جشن میگرفت، بنمایش بگذارند، و یا با عاریه گرفتن موقتی برخی از مواضع کمونیسم چپ، در حالی که از آنها رسما تحت عنوان « ستاره گان مرده » یاد میکردند، بر آنها بتازند.

ترجمه این سند به زبان انگلیسی در سال ۱۹۹۵، در یک فرصت تاریخی که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق بوجود آمده بود، یکی از بسیار تلاش های سازمان کارگران کمونیست، برای معرفی یک سنت خاص کمونیستی به مخاطبان گسترده تر بود. تلاشی بود برای غلبه بر انزوای انترناسیونالیست ها که استالینیسم و تروتسکیسم تاریخا بر آنها تحمیل کرده است. مقدمه جامع بر ترجمه انگلیسی این سند، همه ی آن چه که باید در باره کمیته توافق گفته شود را پوشش داده است. با این حال، مقدمه کوتاه بر ترجمه فارسی، فرصتی بود تا خاطره رفیق سلطانزاده را هرچند فقط با ذکر نام او در صفوف کمونیسم چپ، گرامی بداریم و همچنین تعریفی از دو واژه در ادبیات کمونیسم چپ نیز بفارسی ارائه گردد.

برای پیداش و شکل گیری گروه های پیشرو سیاسی جدید، که بتوانند با نقش ضد انقلابی سازمان های به اصطلاح چپ، تسویه حساب را آغاز کرده و در این فرآیند، محدودیت مبارزات مطالبات محوری را که این سازمان ها ترویج میکنند، افشا و در مقابلِ عللِ معضلِ فعلی ابهام و عدم محبوبیت دستور کار انترناسیونالیستی، قد علم کرده و با آن دست و پنجه نرم کنند، این سند از رفقای ایتالیایی حامل تجربیات با ارزشی ست. اینکه چگونه میتوان در یک محیط بسیار خصمانه و تحت شرایط نامطلوب، همانگونه که طبقه کارگر ایران، مثل هر جای دیگر، امروز با آن مواجه است، از برنامه مستقل طبقه کارگر، دفاع کرد.

آپریل ۲۰۱۲

برای دریافت نسخه کامل این جزوه لطفا به صفحه اینترنتی ما روجوع کنید